

حسن ملکی: فقر اطلاعاتی نداریم، اما ممکن است فقر تولید نرم‌افزاری داشته باشیم

تهران (پانا) - نشست هم‌اندیشی و تبادل نظر دفتر برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری فنی و حرفه‌ای و کاردانش با رئیس سازمان پژوهش و برنامه آموزشی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در ابتدای این نشست حاضرین به بیان دیدگاه‌های خود پیرامون فرآیندها و فعالیت‌های انجام شده پرداختند. دکتر علی محبی معاون برنامه‌ریزی درسی و تولید بسته‌های تربیت و یادگیری با تأکید بر اهمیت این‌گونه نشست‌های هم‌اندیشی، از کارشناسان خواست هنگام تهیه راهنمای برنامه درسی توجه ویژه‌ای به دوره دوم متوسطه فنی و حرفه‌ای داشته باشند.

حسن آقابابایی، معاون دفتر فنی و حرفه‌ای و کاردانش با اشاره به منویات مقام معظم رهبری درخصوص نگاه به سمت داخل در تولید یادآور شد: لازمه موفقیت در عرصه کسب و کار، داشتن مهارت است و نیروی کار ماهر باعث افزایش ظرفیت تولید می‌شود.

وی پیشنهاد کرد به منظور ارتقای سطح ظرفیت تولید کشور سازمان فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی مکلفند که نیروی متخصص، ماهر و کارآمد و کارآفرین تربیت کنند.

آقابابایی با انتقاد از نداشتن تناسب بین تحصیلات، تخصص و زمینه‌های شغلی افراد، گفت: طبق تحلیل صورت گرفته از حدود بیست میلیون رکورد شاغل در کشور، نتایج به‌دست آمده نشان داد هیچ تناسبی بین تحصیلات و تخصص افراد و زمینه‌های شغلی آنها وجود ندارد. به‌طور مثال فردی پزشکی تحصیل کرده ولی در کار ساخت و ساز مشغول است.

پی‌گیری تصویب اسناد برنامه درسی ملی در شورای عالی آموزش و پرورش، تشکیل کمیته تحلیل، بررسی و بازتعریف رشته‌های مختلف کاردانش که با اقبال مواجه نشده‌اند، وابستگی شدید رشته‌های فنی و حرفه‌ای به اقتصاد دولتی و مشکل تأمین تجهیزات، صرف زمان زیاد برای بازنگری برنامه‌های درسی و عدم بازخوردگیری از کتاب‌ها در حوزه فنی و حرفه‌ای و کاردانش، تعریف نسبت ارتباط و میزان همبستگی دوره‌های فنی و حرفه‌ای با حوزه‌های تربیت و یادگیری، ضرورت سازمان‌دهی شاخه کاردانش، استفاده از ظرفیت تخصصی سازمان، پایبندی به برنامه‌ریزی، اصولی صورت گرفته، مشخص نمودن مسیر تصمیم‌سازی توسط مسئولان سازمان و ابلاغ شفاف سیاست‌ها، کلان در این بخش از جمله پیشنهادات و سؤالات مطرح شده توسط کارشناسان حاضر در جلسه بود.

باید محب و نقاد رویکرد شایستگی باشیم

در این نشست ملکی ضمن تبریک انتشار شماره یک مجله رشد هنرجو، اظهار داشت: این یک حسن اتفاق است که جلسه امروز ما با تولد این نوزاد همزمان شده است. اگر هیچ حرف دیگری با هم نداشتیم و به خاطر میلاد این نشریه نیز دور هم جمع می‌شدیم؛ جا داشت. بنده خوشحال شدم و می‌خواهم یادآوری کنم که این مجله رشد را غنی‌سازی کنید و مطلب بنویسید. از طریق آن می‌توانید رشته و زحمات خودتان را در بین هنرجوها، هنرآموزان و بدنه فنی و حرفه‌ای در سطح کشور ترویج بدهید. البته به نشریات دیگری هم احتیاج هست.

رئیس سازمان پژوهش در ارتباط با رویکرد شایستگی محور که در طول نشست درباره آن صحبت شد، اظهار داشت: ما با

رویکرد شایستگی محور که مجموعه تلاش‌های همکاران عزیز ما در گذشته بوده و شما برای آن زحمت کشیده‌اید و انصافاً یک تلاش چشم‌زنی‌گیر بوده است به‌کارشناس به سه شکل می‌توانیم برخورد کنیم. یک حالت این است که محب این رویکرد باشیم و دیگر از آن دست برداریم. یعنی الگوی شایستگی محور بشود معشوق ما و ما هم بشویم عاشق او. اینکه شایستگی یک کارشناس نیست. کارشناس نباید عاشق یک رویکرد باشد. یک رویکرد مفید بوده که الآن هم جنبه‌های مفیدی دارد ولی وحی منزل که نیست. بنده نسبت محب بودن و عاشق بودن این رویکرد را نمی‌پسندم. کارشناس این‌گونه نیست.

ملکی افزود: حالت دوم این است که مخالف رویکرد شایستگی محور باشیم و بدون دلیل بگوییم این رویکرد چیست، که این هم زبیده یک انسان عالم نیست. یک انسان اندیشمند بدون دلیل عناد نمی‌کند. اصلاً یک انسان اندیشمند بنده یک چیز است و آن هم دلیل و برهان است. نسبت سوم این است که ما محب نقاد باشیم. بنده این را شایسته یک کارشناس می‌دانم. چرا محب؟ چون حاصل تلاش ما بوده و با آن عمر گذرانده‌ایم. اما اگر این علاقه با نقد همراه نباشد مطمئن باشید که شما دچار رکود می‌شوید. پس من توصیه می‌کنم که شما محب نقاد باشید. این نقد به خاطر دگرگونی اوضاع است. مسائل تغییر کرده و شرایط عوض شده است. انتظارات دگرگون شده است. در آغاز رویکرد شایستگی محور خبری از اسناد تحولی نبود. ما باید ببینیم در چه فضایی داریم زندگی می‌کنیم و چه ضرورت‌هایی امروز پدید آمده است.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی درخواستش را از مسؤول گروه فنی و حرفه‌ای، معاونان وی و کارشناسان چنین بیان کرد: بنده به شما عرض نمی‌کنم که شما فنی و حرفه‌ای را متعالی کنید، بلکه عرض می‌کنم معالجه کنید. این انتظار زیادی است؟ ما که نمی‌خواهیم بگوییم در اینجا یک اتفاق خاص بیافتد. شاید نتوانیم. به قول دوستان عوامل متعددی دخیل است، اما معالجه و ترمیم که می‌توانیم کنیم.

ملکی افزود: احساس من این است که ما باید نسبت بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش را با چند چیز معلوم کنیم. اگر برای معلوم کردن این نسبت به بحث، مطالعه، گذشته‌نگری و سر زدن به تجربیات کشورها نیاز داریم باید این کارها را انجام بدهیم. ما الآن فقر اطلاعاتی نداریم، اما ممکن است فقر تولید نرم‌افزاری داشته باشیم. یعنی نتوانیم بر پایه اطلاعاتی که داریم نرم‌افزارهای مورد نیاز خودمان را تولید کنیم. در اینجا نرم‌افزار مورد نیاز ما همان الگوهای برنامه‌ریزی درسی و اسناد زیرمجموعه تحول بنیادین است که در فنی و حرفه‌ای به آن نیاز داریم.

در ادامه نشست ملکی نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش را با ده موضوع مختلف مورد تحلیل قرار داد:

۱) نسبت فنی و حرفه‌ای و کاردانش با هنرجو

نسبت اول نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با خود هنرجو و فرد است. روی این قضیه چقدر فکر شده است؟ اگر اندیشه و مطالعه کرده‌اید بدون به من بدهید و بگویید ما درباره هنرجو این کارها را کرده‌ایم تا بنده بگویم معذرت می‌خواهم من حرفم را پس می‌گیرم. هنرجو به‌کارشناس، عنوان یک انسان، بعد روان‌شناسی، بعد جامعه‌شناسی و بعد فلسفی دارد، اما آیا انصافاً این‌ها را شناخته‌اید؟ زمانی که جلسه شورای راهبری راه‌اندازی کردیم دنبال همین مسائل بودیم. گفتیم ما اگر بخواهیم در فنی و حرفه‌ای حرف تازه‌ای بزنیم باید مبناکاو کنیم تا حرف‌های ما قوی باشد. شما بگویید از کدام نظریه روان‌شناسی دارید بهره‌برداری می‌کنید؟ جواب‌تان چیست؟ این‌ها مسائل اساسی است. اگر به این‌ها فکر نکنیم و وارد کار شویم سال‌های آتی هم اگر عمری باشد و ما دوباره رو در رو قرار بگیریم باز همین حرف‌ها مطرح خواهد شد. به خاطر اینکه ما نیامده‌ایم علایق و نیازهای هنرجوها را بررسی کنیم و بشناسیم.

۲) نسبت فنی و حرفه‌ای و کاردانش با جامعه

نسبت دوم نسبت آموزش و فن‌های و حرفه‌های و کاردانش با جامعه است. شما نسبت به جامعه چه تحلیلی دارید؟ رویکرد شایستگی محور در سال ۱۳۹۰ طراحی شده است. خب، از آن سال تا حال ۹ سال دارد می‌گذرد، در این ۹ سال تحلیل اجتماعی شما چیست؟ چه چیزی در این خصوص دارید؟ چه مقدار موفق شده‌اید مسائل اجتماعی جامعه را درک کنید؟ شما به خوبی بدانید که اگر برنامه‌ریزی درسی نسبت به مسئله‌ها نابینا باشد نمی‌تواند راه را برود. بعضی از مسئله‌ها عام و بعضی از مسئله‌ها خاص است. مثلاً مسئله پیر شدن جمعیت در جامعه ما مسئله عام است و به همه مربوط است. فن‌های و حرفه‌های و غیر فن‌های و حرفه‌های باید به این مسئله بنگرند، اما مسائل مربوط به قلمرو شما کدام مسئله‌ها است؟ ما به عنوان کارشناس باید مسائل اجتماعی حوزه فن‌های و حرفه‌های را بشناسیم. در مورد مسائل اجتماعی ما یک جامعه ملی داریم و یک جوامع محلی. من به شما عرض کنم که اگر برنامه درسی فن‌های و حرفه‌های امروز ما نتواند نسبت خودش را با مسائل بومی حل و فصل کند ما از چه تحولی می‌توانیم حرف بزنیم؟ جامعه ملی یک حلقه کار ما و جوامع محلی و منطقه‌های یک حلقه کار دیگر است.

۳) نسبت آموزش و فن‌های و حرفه‌های و کاردانش با علم

آیا شما برنامه‌های درسی سراغ دارید که با علم مرتبط نباشد؟ مصداق علم فرق می‌کند، خود علم که غایب نیست. شما تا به حال فکر کرده‌اید که فن‌های و حرفه‌های و کاردانش با کدام یک از رشته‌های علمی باید پیوند بخورد؟ خب ما برنامه درسی شیمی را داریم که باید با علم شیمی و برنامه درسی جامعه‌شناسی داریم که باید با علم جامعه‌شناسی پیوند بخورد. خود برنامه درسی را هم داریم که باید با علم برنامه درسی پیوند بخورد. شما با کدام علم و دیسیپلین پیوند دارید؟ آن دیسیپلین اصلی که شما باید با آن مرتبط شوید کدام است؟ نسبت شما با علوم پایه و علوم فن‌های و مهندسی چیست؟ اگر ما نسبت به برنامه درسی‌مان با علوم مربوط و متناسب شفاف نکنیم یا به فقر علمی و یا به تورم علمی مبتلا می‌شویم. قطعاً دچار یکی از این دو مشکل خواهیم شد.

۴) نسبت آموزش و فن‌های و حرفه‌های و کاردانش با برنامه درسی ملی

این نسبت کاربردی‌تر است. نسبت شما با برنامه درسی در کجاها است؟ من الگوی مفهومی که دوستان برایش بسیار زحمت کشیده‌اند را نگاه کردم ولی حالا می‌خواهم بیرسم الگوی تعیین هدف که در برنامه درسی ملی آمده جایگاهش در کار شما کجاست؟ شش دانگ حواس و توان باشد که الگوی تدوین هدف در برنامه‌ریزی و پیوندی‌های درسی ما یکی از منابع تدوین هدف ما است نه همه هدف ما. ما به وسیله آن الگوی تدوین هدف می‌توانیم به شایستگی‌های پایه، اما برنامه‌های درسی ما فقط شایستگی‌های پایه نیست. شایستگی‌های پایه فقط یکی از آن اضلاع است. شما هدف‌های مصوب دوره‌های تحصیلی را دارید. شما هدف‌های ویژه برخاسته از نیازهای خاص خودتان را دارید. شما هدف‌های برگرفته از نظام جامع را دارید. خیلی چیزها هست که در ظرف تعیین الگوی هدف نمی‌گنجد و قرار نمی‌گیرد. الگوی تعیین هدف برنامه درسی ملی ارزشمند است ولی جامعیت برای تدوین برنامه‌های درسی را ندارد.

۵) نسبت آموزش و فن‌های و حرفه‌های و کاردانش با انتظارات فوقانی دستگاه‌های عالی کشور

شما در این مورد تا به حال چه تحلیلی داشته‌اید؟ نسبت شما با مصوبات شورای عالی آموزش و فن‌های و حرفه‌های که بنده هم یک جلسه شرکت داشتم یا نسبت شما با سیاست‌های کلی که حضرت آقا ارسال فرموده‌اند چیست؟ در این خصوص چه نسبتی را تحلیل کرده‌اید؟ ما از طرفی تابع این‌ها هستیم و نمی‌توانیم بگوییم ما عمل نمی‌کنیم. شورای عالی آموزش و فن‌های و حرفه‌های شورای است که معاون رئیس‌جمهور رئیس آن است و مصوبات آن برای همه لازم‌الاجرا است. ما آن مصوبات را داریم و از طرفی منابع خودمان را هم داریم، پس در میان این کثرت و راه این است که شما با یک هم‌نگری به وحدت برسید. شما چاره‌های جز با هم‌نگری و ترکیب ندارید.

۶) نسبت آموزش و فن‌های و حرفه‌های و کاردانش با تجربه‌های جهانی

بنده روی این نسبت خیلی تأکید می‌کنم. آن‌هایی که از تفکر بنده خبر دارند می‌دانند که هرگز در اسناد و الگوها، خودمان را محتاج تجربیات جهانی نمی‌دانم. الگو باید متعلق خودمان باشد. ما اگر الگو و مدل را از آن‌ها بگیریم باخته‌ایم؛ به دلیل آنکه یک الگو طرفدارانش را رهبری می‌کند. ما اگر با سند ۲۰۳۰ مخالفت می‌کنیم به خاطر این است که سند ۲۰۳۰ یک چتر است و ما زیر آن چتر نمی‌رویم. ما چتر درون‌زای خودمان را داریم. شما اگر زیر بار یک سند رفتید آن سند بند انسان می‌شود. دیگر سخت است که انسان بتواند از جهت فکری و نرم‌افزاری از آن‌ها رهایی پیدا کند. لذا در همین زمینه فنی و حرفه‌ای هم الگوهای ما باید مال خودمان باشد ولی از تجربیات جهانی هم استفاده کنیم.

۷) نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با وضع موجود

شما چه نسبتی می‌خواهید با وضع موجود برقرار کنید؟ وضع موجود همان واقعیت‌های است که الآن وجود دارند و حل نشده‌اند و یا حل شده‌اند ولی مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته‌اند. چنانچه برنامه درسی مناسب هم طراحی کنیم ولی در وضع موجود زیر ساخت‌های لازم را در هنرستان‌ها نداشته باشیم برنامه شما سامان نخواهد گرفت. از شما تقاضا می‌کنم که شما یک تحلیل دقیق از نقاط ضعف و نیازهای مربوط به زیرساخت‌ها داشته باشید تا ما از حالا اقدام کنیم. بهمن‌ماه که می‌خواهد برنامه درسی شما ظاهر شود دیگر دیر است. ما الآن باید نواقص را برطرف کنیم. اگر این نواقص را برطرف نکنیم خبری از تحول در فنی و حرفه‌ای نیست. این‌ها وضع موجود هستند، منتها آیا انصافاً از وضع موجود تحلیل مهندسی شده دارید؟

۸) نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با تحولات عصر کنونی

عصر کنونی برای خودش یک اقتضائاتی دارد. این غیر از تجربیات جهانی کشورها است. این از برآیند همه تجربیات در دنیا شکل می‌گیرد. مثلاً یکی از چیزهای عصر کنونی که سایر کشورها هم گرفتارش هستند این است که هر هنرجویی که فارغ‌التحصیل می‌شود قبل از این‌ها که وارد دانشگاه شود باید حداقل در یک زمینه واقعاً مهارت داشته باشد. این نیاز عصر کنونی است. اگر فارغ‌التحصیلان ما مهارتی را یاد نگرفته باشند به چه دردی می‌خورند؟ البته خوشبختانه مسؤولان کشور از حضرت آقا تا سطوح پایین، همه این مسئله را متذکر می‌شوند، اما واقعاً مایل هستیم که شما بگویید در نگاه برنامه‌های خود برای این مطلب چه کرده‌اید و چه باید کرد. الآن نقطه ضعف بسیار بزرگ نظام تعلیم و تربیت ما همین ضعف در مهارت‌ها است.

۹) نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با امتداد تحصیل

این نسبت با آموزش عمومی ارتباط پیدا می‌کند. ما باید از رویکرد آموزش عمومی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش استفاده کنیم. باید مهارت‌های خیلی عمومی و پایه از دوره دبستان در برنامه‌های تحصیلی گنجانده شود و بعد که وارد دوره اول متوسطه می‌شویم آن مهارت‌ها قدری وسیع‌تر و عینی‌تر مطرح شوند. در این صورت در دوره دوم متوسطه دو اتفاق مبارک می‌افتد، یکی اینکه گویی این فرد یک هدایت تحصیلی شده است چون یک سری آموزش‌های پایه را در عرصه‌های فنی و حرفه‌ای و کار یاد گرفته است و الآن که می‌خواهد مسیر خودش را انتخاب کند آگاهانه‌تر انتخاب می‌کند و احساس غربت نمی‌کند. این اثر آموزش عمومی است. یعنی دانش‌آموز به‌عنوان شهروندی که از دوره ابتدایی یک سری آموزش‌ها را یاد گرفته است وارد شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش می‌شود و مسیر خودش را خوب انتخاب می‌کند. این یک اثر است و اثر دوم این است که در آموزش‌های پیش‌یادگیری درست و عمیق اتفاق می‌افتد چون بنیان‌ها را دارد. بخش عمده این کار را باید حوزه کار و فناوری انجام دهد و بعد برنامه‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش در ادامه تولیدات حوزه کار و فناوری معنادار می‌شود.

۱۰) نسبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با علوم انسانی

این یعنی بگوییم که نسبت برنامه‌های درسی آموزش عمومی و متوسطه نظری با برنامه‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش چیست. آیا این‌ها دو خط موازی‌اند و هیچ نسبتی با هم ندارند؟ یا دو خط

موازی هستند که نقطه‌های ارتباط با هم دارند؟ مورد دوم صحیح است ولی باید ببینیم آن نقطه‌های ارتباط کجاست. من اعتقادم این است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با وارد کردن برخی مفاهیم علوم انسانی تلطیف می‌شوند و آموزش‌های نظری علوم انسانی با وارد کردن مفاهیم و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای کارآمد و غنی‌تر می‌شوند. حالا این داد و ستد چگونه و در کجا انجام بگیرد؟ برای یافتن پاسخ این سؤال جلسات مشترک میان گروه‌ها باید شکل بگیرد.